

بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری

در اشعار رضوی دعبل خزاعی

دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

مجید محمدی^۱، عاطفه بازیار^۲

چکیده

دعبل شاعر برجسته شیعی است که عشقش به امامان معصوم (علیهم‌السلام) قطعی و انکارناپذیر است. وی سراسر دیوان خویش را مزین به نام ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به‌ویژه امام‌رضا (علیه‌السلام) نموده و با ابزار شعر، درصدد آن است که با بیان ویژگی‌های ظاهری و معنوی امام‌رضا (علیه‌السلام) و شناساندن حاکمان مستبد آن دوران، ظلم و ستم به اهل بیت (علیهم‌السلام) و مظلومیت آنان را در آینه اشعارش به تصویر بکشد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی کوشیده است جلوه‌های پایداری سروده‌های رضوی در دیوان دعبل را استخراج، بررسی و تحلیل کند. بررسی‌ها نشان داد دعوت به مبارزه، ترسیم چهره رنج‌کشیده و مظلوم امامان (علیهم‌السلام)، بیان ظلم و ستم به امام‌رضا (علیه‌السلام) امید به آینده و گریه در سوگ او، از جمله مؤلفه‌های مهم ادب پایداری است که دعبل در اشعار رضوی خویش به تصویر کشیده است.

کلیدواژه‌ها:

ادبیات پایداری، ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، امام‌رضا (علیه‌السلام)، دعبل خزاعی، شعر رضوی.

۱. استادیار گروه عربی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول): Mohammadjid44@gmail.com
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه: Baziyar.atefeh@yahoo.com

۱- مقدمه

«ابوجعفر دعبل بن علی بن رزین خزاعی، از یاران امام رضا (علیه السلام) ادیب و شاعر مشهور شیعی، به سال ۱۴۸ ه.ق در کوفه دیده به جهان گشود.» (الفاخوری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۸۰). «او به امام زمان خویش، حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) عشق و علاقه وافری داشت و نه تنها به مدح اهل بیت و ائمه معصومین (علیهم السلام) و طرفداری از آنان و ذکر حقانیت آنها می پرداخت، بلکه با شمشیر بُرّان هجو، هیچ یک از خلفای عباسی معاصر خویش را بی نصیب نگذاشت که این امر یکی از علت‌های در به‌دوری شاعر بود.» (ر.ک: رضایی سهل‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۶). از آنجاکه خفکان عصر عباسی هر فریادی را در نطفه خفه می‌کرد، به‌ویژه اگر در دفاع از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، سروده‌های دعبل در دفاع از اهل بیت (علیهم السلام) و هجو دشمنان آنان، از بارزترین جلوه‌های ادب پایداری است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی، کوشیده است مضامین و مؤلفه‌های پایداری در اشعار رضوی دعبل را استخراج، بررسی و تحلیل کند.

۱-۱ بیان مسئله

ادبیات پایداری، ایستادگی و پافشاری حق در برابر ظلم و مشوّق استقامت و پایداری در راه هدف در تمامی ادوار و اعصار است. در عمق این ادبیات، حقیقت‌خواهی و امید به آینده و استقامت در این مسیر، همواره در قلب کاتبان و شاعران جایگاه والایی داشته و در اشعار و آثار آنان انعکاس وسیعی داشته است.

ادبیات پایداری جلوه‌های گوناگونی را در شعر شاعران داشته است. برخی از شاعران با به‌تصویر کشیدن مظلومیت ستمدیدگان جامعه و بیان ظلم حاکمان جور در شعر خویش و افشای چهره واقعی آنان، توانسته‌اند گام‌های مؤثری را در این عرصه بردارند. از جمله این شاعران، دعبل شاعر برجسته شیعی عصر عباسی است که با احساس

عمیق شاعرانه خویش توانسته است مفاهیم والایی از مظلومیت امامان (علیهم السلام) و نمونه های برجسته ای از ستم در حق آنان را در دیوان خویش بازتاب ببخشد. «آری در زمانی دشوار که نابکاران اموی و عباسی در برابر خاندان نور (علیهم السلام) هم زبان تیغ گشودند و هم تیغ زبان، جناب دعبل، پیام این جمله زیارت مأثور را به خوبی دریافت که: «قتل الله من قتلکم بالأیدی و الألسن». و اگر زمینه و زمانه با جهاد تن تناسب نداشت، باری، با جهاد بیان، به یاری اهل بیت (علیهم السلام) شتافت (طالعی، ۱۳۹۲: ۱۷۱). مسئله اساسی این پژوهش آن است که «عنصر پایداری در شعر رضوی این شاعر چگونه تجلی یافته و برجسته ترین مؤلفه های مقاومت در آن کدام است؟»

۲-۱ پیشینه تحقیق

درباره دعبل و آثارش پژوهش های بسیاری صورت گرفته است. مقاله «اهل بیت (علیهم السلام) در دیوان دعبل خزاعی» نوشته رضایی سهل آبادی (۱۳۸۴) علاوه بر اینکه به سایر اشعار دعبل اشاراتی دارد، بیشترین تأکیدش بر قصیده تائیه وی و شرح و تفسیر نکات و ارزش های ادبی سیاسی و مفاهیم و مضامین مندرج در آن است. مسبوق و دریادل (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تطبیقی دو قصیده تائیه دعبل خزاعی و طلایع بن رزیک در مدح اهل بیت (علیهم السلام)» به بررسی تطبیقی ساختار و محتوای این دو قصیده و وجوه اشتراک و افتراق آنها از نظر معنا، موسیقی و بلاغت پرداخته اند. مقاله «سیمای امام رضا (علیه السلام) در آینه شعر دعبل خزاعی و نظیری نیشابوری» نوشته احمدی چناری و احمدی (۱۳۹۴) به بررسی اشعار این دو شاعر، از جهت بازتاب سیمای امام رضا (علیه السلام) پرداخته است. از دیگر پژوهش های انجام شده درباره شخصیت والای آن حضرت، پایان نامه «دیدگاه های ناقدان عرب درباره شخصیت و شعر شاعران برجسته شیعه (کثیر عزه، کمیت بن زید، سید حمیری و دعبل خزاعی)» از اقبالی (۱۳۹۳) است که دیدگاه ناقدان عرب را درباره شاعران مذکور بررسی کرده است. وی در برابر انتقاد ناقدان، از دعبل به عنوان شاعر

اهل بیت (علیهم السلام) دفاع و دیدگاه بسیاری از آنان را با استدلال رد کرده است. در زمینه ادبیات پایداری نیز پژوهش‌های بی‌شماری انجام گرفته است. سرآمدترین مجله در این زمینه، نشریه «ادبیات پایداری» دانشگاه شهید باهنر کرمان است که مقاله‌های متعددی در آن به چاپ رسیده است. چنان‌که اشاره شد، تا به حال به بسیاری از جنبه‌های اشعار دعبل، چه از لحاظ فرم اشعار و چه از نظر محتوا، پرداخته شده است؛ اما پژوهشی که سیمای پایداری در اشعار رضوی دعبل را بررسی کند، یافت نشد.

۲. پردازش موضوع

۱-۲ ادبیات پایداری

ادبیات پایداری مجموعه آثاری است که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید. «ادبیات پایداری تداعی‌کننده ایستادگی و پافشاری حق در برابر ظلم و مشوق استقامت و پایداری در راه هدف، در تمامی ادوار و اعصار است. در عمق این ادبیات، حقیقت‌خواهی و امید به آینده، همواره در قلب کاتبان و شاعران آن نهفته است.» (مختاری و وفایی‌خوش، ۱۳۹۴: ۳۰۴). این نوع ادبی از دیرینه‌ای کهن برخوردار است و از روزگار پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) در ادبیات عرب دیده می‌شود و نشان‌دهنده مقاومت و ایستادگی مردم برای دفاع از آرمان‌هایشان است. دعبل خزاعی از جمله شاعرانی است که دیوانش سرشار از جلوه‌های پایداری و استقامت در دفاع از اهل بیت (علیهم‌السلام) است. این پژوهش کوشیده است مؤلفه‌های این ادبیات را در اشعار رضوی شاعر بررسی کند.

۲-۲ واکاوی مؤلفه‌های پایداری در قصاید رضوی دعبل

اگرچه دعبل به‌عنوان شاعر ادب پایداری شناخته نشده است، اما ضمن پرداختن به زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام) و امام‌رضا (علیه‌السلام)، سختی‌ها، رنج‌ها و ظلم‌وستم‌زمانه در حق ایشان را به‌تصویر کشیده و با شناساندن چهره‌ی ظالمان و بیان بیدادگری‌های آنان، نمونه‌ی بارز و والایی از ادبیات مقاومت را خلق کرده است. مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری در اشعار رضوی دعبل را می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

۲-۲-۱ ارج نهادن به سرزمین‌ها و آثار باقی‌مانده از امام (علیه‌السلام)

سرزمین و وطن نمونه‌ی بارزی از مؤلفه‌های پایداری است که از دیرباز در شعر شاعران جایگاه والایی را به خود اختصاص داده است و شاعران عرصه‌ی پایداری پیوسته در اشعار خویش، نگاه ویژه‌ای به آن داشته‌اند. دعبل در جای‌جای دیوانش هرگاه از امام‌رضا (علیه‌السلام) سخنی می‌گوید، نگاهش متوجه سرزمینی است که گام‌های امام (علیه‌السلام)، با آن متبرک شده است. نه تنها سرزمین، بلکه آثار باقی‌مانده از ایشان نیز برای دعبل ارجمند و دوست‌داشتنی است.

قلب دعبل همواره برای طوس می‌تپد و از آن به نیکی یاد می‌کند. عشق دعبل به وطن، متعلق به سرزمین مادری او نیست، بلکه سرزمین مقدس او طوس است که هشتمین اختر تابناک ولایت و امامت (علیه‌السلام) در آن حضور دارد.

أَلَا أَيُّهَا الْقَبْرُ الْغَرِيبُ مَحَلُّهُ بَطُوسٍ عَلَيْكَ السَّارِيَاتُ هَتُونُ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۱۷۸)

(ترجمه: هان! ای قبر غریبی که جایگاه آن در طوس است! ابرهای شبانه همواره بر تو ببارند.)

امام رضا (علیه السلام) نه تنها در زمان حیات، بلکه بعد از حیات نیز همچنان اسوه و نمونه و سرمشق شاعری همچون دعبل بودند؛ به گونه‌ای که دعبل از قبر این بزرگوار نیز که در سرزمین طوس قرار گرفته است، به خوبی یاد کرده و دستانش را به درگاه خداوند بالا برده و برای او دعا می‌کند. طوس مقامی والا می‌یابد، زیرا قبر یکی از غریب‌ترین امامان معصوم (علیهم السلام) در آن قرار گرفته است.

دعبل از شدت علاقه و شیفتگی به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ویژه امام رضا (علیه السلام)، بر شهر طوس غبطه می‌خورد زیرا محل شهادت امام رضا (علیه السلام) است و همین امر، آن را مقامی والا و ارجمند می‌بخشد:

وَقَضَى غَرِيبًا بِطُوسٍ مِثْلَ الْحُسَامِ الْمُجَرَّدِ
يا طوسَ طوباكِ قَدْ صر تِ لَابِنِ أَحْمَدَ مَشْهَدِ

(همان: ۹۸)

(ترجمه: مانند شمشیری از نیام برآمده، غریبانه به شهر طوس گذر نمود. / ای شهر طوس خوشا به حالت! که محل شهادت فرزند حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) شدی.)

مرقد امام و وطنی که اکنون محل دفن ایشان است، چندان والا و عظیم است که هر حاجت و نیازی را برآورده می‌سازد و دعبل همه را برای برآوردن حاجاتشان بدان فرا می‌خواند. شاعر با مقایسه امام اهل بیت (علیهم السلام) و حاکم شرور وقت، هارون الرشید، تقابل خیر و شر را در بیتش به تصویر می‌کشد. قبر پاک‌نهادترین افراد یعنی امام رضا (علیه السلام) و قبر شریرترین انسان‌ها که مایه پند و عبرت است:

إِرْبَعُ بِطُوسٍ عَلَى قَبْرِ الزَّكِيِّ بِهَا إِنْ كُنْتَ تَرِيعُ مِنْ دِينِ عَلِيٍّ وَطَرِ
قَبْرانِ فِي طُوسٍ خَيْرُ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ وَ قَبْرُ شَرِّهِمْ هَذَا مِنَ الْعَبْرِ

(همان: ۱۰۷)

(ترجمه: اگر می‌خواهی از دین نیاز و آرزویی را مطالبه کنی، در طوس مقابل آن قبر پاک(قبر امام‌رضا(علیه‌السلام)) درنگ کن./ دو قبر در شهر طوس، یکی قبر بهترین مردم و دیگری قبر بدترین آنها در جوار هم قرار دارند؛ که مایهٔ عبرت است.)

۲-۲-۲ دعوت به مبارزه

«دعوت به قیام، ایستادگی و تداوم مبارزه، روح ادب پایداری است.» (سنگری، ۱۳۸۹: ۶۵). دعوت به پایداری از عناصر مهم پایداری به‌شمار می‌رود. دعبل جوانمردی آزاده است که هیچ‌گاه در برابر دستگاه جور بنی‌عباس سر تعظیم و تسلیم فرود نیاورد.

چنان‌که شاعر، چهرهٔ ظالمانه و مستبد دشمن را به تصویر می‌کشد، به همان اندازه و شاید بیشتر، مردم را که حامیان امام و دوستداران وی هستند، تحریک به مبارزه می‌کند. برانگیختن حس دعوت به مبارزه، از جمله وظایف خطیر شاعر شیعی است. دعبل برای فراخواندن مردم و سایر توده‌ها به مبارزه بر ضد حاکمان و دشمنان امام‌رضا(علیه‌السلام)، گاهی تهدید به انتقام را روشی ایده‌آل و مناسب می‌یابد. وی با عشق و علاقه‌ای که به خاندان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) دارد، قوم خویش را به قیام علیه ستمگران فرامی‌خواند.

خلفای عباسی همان مزدورانی بودند که در زمان امام‌رضا(علیه‌السلام) سختی‌های بسیاری را بر وی تحمیل کردند. از این‌رو، شاعر تاب‌وت‌حمل این سختی‌ها را ندارد و ندای مبارزه سر می‌دهد و خونخواهی اهل بیت(علیهم‌السلام) را از قوم خویش طلب می‌کند. دعبل در دعوت به مبارزه بسیار کوبنده و مصمم است تا آن‌جاکه مردم را به کارزار با دشمنان اهل بیت(علیهم‌السلام) و عباسیان فرامی‌خواند تا کشتگان بدر را در خاطرشان یادآوری نماید؛ کشتگانی که درندگان و پرندگان جسد آنان را تکه‌تکه کردند و خوردند.

يَقَوْمُ بِهٖ لِلْهَاشِمِيَّاتِ مَا تَمُّ
لَهُ صَجَّةٌ يَبْكِي بِهَا كُلُّ ضَاحِكٍ

تُذَكِّرُهُمْ قَتْلِي بِيَدِ تَنَوُّشُهُمْ

سِبَاعٌ وَطَيْرٌ مِّنْ سِبَاعِ بَوَارِكِ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۷۰)

(ترجمه: به وسیله شمشیر دشمنان برای زنان بنی هاشم سوگی به پا می شود. آن مراسم ماتم، دارای ضجه ای است که هر خندانی را به گریه وامی دارد. / کشتگان بدر را به یادشان می آورد؛ همان کشتگانی که درندگان و پرندگان از جسد آنان خوردند.) آری پایداری و مقاومت این بار به شکل دعوت به مبارزه جلو می کند و دعبل در جایی، برهانی برای طولانی بودن عمرش بیان می دارد و معتقد است که طولانی بودن عمرش و قرین رنج و سختی اهل بیت (علیهم السلام) بودن، به سبب آن است که روزی شمشیر و نیزه اش را از خون دشمنان امام (علیه السلام) سیراب و ضربات سهمگینی را به آنان وارد کند:

فَإِنْ قَرَّبَ الرَّحْمَنُ مِنْ تِلْكَ مُدَّتِي وَ آخَرَ مِنْ عُمُرِي لِيَوْمِ وَقَاتِي
شَفِيئٌ وَلَمْ أَتْرُكْ لِنَفْسِي عُصَّةً وَ رَوَيْتُ مِنْهُمْ مُنْصَلِي وَ قَنَاتِي

(همان: ۶۴)

(ترجمه: اگر خداوند رحمان روزگار مرا قرین این رنج و سختی (رنج و سختی اهل بیت (علیهم السلام) نمود و عمرم را طولانی کرد و روز وفاتم را به تأخیر انداخت به خاطر آن است که ... / خود را شفا داده و دردهایم را تسکین دهم و غصه ای برای خود باقی نگذارم و شمشیر و نیزه ام را از آنان (خون دشمنان اهل بیت) سیراب سازم.)

این جهاد و دعوت به مبارزه از سوی دعبل به حدی است که وی تمام زندگی خود را از برای مبارزه و دفاع از حق اهل بیت (علیهم السلام) می داند و خویشتن را فدای این مبارزه می کند.

سَأَقْصُرُ نَفْسِي جَاهِدًا عَنِ جِدَالِهِمْ كَفَانِي مَا أَلْقَى مِنَ الْعِبْرَاتِ

(همان: ۶۵)

(ترجمه: به سختی جان خویش را از مجادله با آنها باز می‌دارم، اشک‌هایی که بر آنان (مصیبت‌های اهل بیت) می‌ریزم مرا کفایت می‌کند.)

۳-۲-۲ ترسیم چهره رنج‌کشیده و مظلوم اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

همواره در طول تاریخ، همزمان با حاکمیت ظالمان و مستبدان، گروهی رنج‌کشیده و مظلوم هستند که پایه‌های ادبیات پایداری را تشکیل می‌دهند. از جمله ویژگی‌های ادبیات پایداری دعبل، به تصویر کشیدن چهره مظلومانه امامان (علیهم‌السلام) است. ظلم و ستم در حق اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به حدی بود که دعبل روزگار را از هرگونه شادی و خوشی‌ای منع می‌کند، زیرا خاندان امامت (علیهم‌السلام) جز ستم چیز دیگری ندیده‌اند:

لَا أَضْحَكَ اللَّهُ سِنَّ الدَّهْرِ إِنْ ضَحِكْتُ وَ آلُ أَحْمَدَ مَظْلُومُونَ قَدْ قَهَرُوا

(همان: ۹۹)

(ترجمه: خداوند دندان روزگار را اگر بخواهد بخندد، نخنداند؛ در حالی که خاندان احمد (علیهم‌السلام) مظلومانه مورد ظلم و ستم قرار گرفتند.)

امامان معصوم (علیهم‌السلام) بی‌گناه به شهرهای غریب تبعید و از خانه و کاشانه خویش جدا شدند و در پی اوضاع ظالمانه موجود و ستم ستمگران، با چهره‌های درخشان و رنج‌کشیده خویش، آواره دیار تبعید گشتند.

مُسْرِدُونَ نَفَا عَنْ عُقْرِ دَارِهِمْ كَأَنَّهُمْ قَدْ جَنُوا مَا لَيْسَ يُغْتَفَرُ

(همان: ۹۹)

(ترجمه: در حالی که آواره شده بودند از سرزمین خویش تبعید شدند. گویی که

گناهی نابخشودنی مرتکب شده‌اند).

آری مظلومیت ائمه اطهار (علیهم السلام) و رنج‌هایی که از سوی دشمنان بر آنان تحمیل شد، چندان فراوان است که گویی اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) گناهی نابخشودنی مرتکب شده و به سبب آن، سزاوار این همه ستم گشته‌اند. سوگواری و غمگین بودن بر این مصایب، از بارزترین شیوه‌های استقامت است که در طول تاریخ، دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) پیوسته از آن در رنج بوده و به شیوه‌های گوناگون به مبارزه با آن پرداخته‌اند و از برگزاری آن جلوگیری کرده‌اند.

۲-۲-۴ امید به آینده و نوید پیروزی

بشارت به پیروزی ستم‌دیدگان و امید به غلبه قطعی حق، از بارزترین جلوه‌های ادبیات پایداری است که قرآن و روایات نوید آن را داده‌اند. مسئله امید به ظهور مصلح آخرالزمان (عج) قدمتی طولانی دارد به گونه‌ای که حتی قبل از امام زمان (عج) و در زمان امام رضا (علیه السلام) دعبل به این ظهور و آمدن منجی امید داشت.

اگرچه دعبل را شاعر ادبیات پایداری نمی‌شناسند، اما همچون شاعران بزرگ عرصه پایداری، در آثار خویش به ستایش امید به زندگی و نوید پیروزی در راه رسیدن به هدف پرداخته است.

«دعبل چون سیدحمیری اعتقاد دارد امامی غایب هست که باز خواهد گشت و ظلم و ستم بر علویان را از بین خواهد برد و از دشمنان به بدترین شکل انتقام خواهد گرفت.» (مسبوق و دریادل موحد، ۱۳۹۱: ۲۴۴). ستم‌هایی که از سوی بنی‌عباس در حق امام رضا (علیه السلام) صورت گرفت و در پی آن آزار و اذیت امام به حدی بود که تاب و توان شیعیان آن حضرت را به سر آورده بود. شاعر که از دیدن این همه ظلم و تعدی اندوهناک شده، تنها روزنه امید را ظهور منجی‌ای می‌داند که همه به آمدنش وعده داده‌اند. همین امید به آینده موجب شده است که شاعر تمامی سختی‌ها را با

جان و دل ببذیرد و مؤثرترین عامل پایداری را چنین به تصویر بکشد:

فَلَوْلَا الَّذِي أَرْجُوهُ فِي الْيَوْمِ أَوْ غَدٍ تَقَطَّعَ قَلْبِي إِثْرَهُمْ حَسْرَاتٍ
خُرُوجِ إِمَامٍ لَا مَحَالَهَ خَارِجٍ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۶۴)

(ترجمه: اگر نبود آنچه را که در امروز و فردا به آن امیدوارم، قلب من از پی حسرت ایشان پاره پاره می شد. / خروج امامی که بی شک ظهور خواهد کرد و با نام خدا و خیر و نیکی به پا خواهد خاست.)

پس از این بیت امام رضا(علیه السلام) به شدت گریست و فرمود: روح القدس به زبانت سخن گفت. آیا آن امام را می شناسی؟ دعبل عرض کرد: نه، ولی شنیده ام که امامی از شما قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد. (امینی، ۱۳۸۵: ۵۱)

آینده ای که دعبل همچون تمامی شیعیان دیگر منتظر آن است و بدان امید بسته است، ظهور منجی ای را در خود نهفته دارد که با آمدنش حق و باطل را از هم جدا می کند و جزای ستمکاران و ظالمان را می دهد. آری، پایداری در برابر ظلم وقتی محقق خواهد شد که همه بدانند آینده ای روشن در انتظار آنان است؛ آینده ای که پاسخی دندان شکن به دشمنان حق و عدالت را در پی و برای مبارزان این راه، امید پیروزی را به همراه دارد؛ همان آینده ای که حق و باطل را از هم جدا کرده و پاداش و کیفر هر یک را به اهل آن خواهد داد:

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَ النَّقْمَاتِ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۶۴)

(ترجمه: در میان ما حق را از باطل جدا می کند و به نیکی ها و بدی ها کیفر و پاداش می دهد.)

آری، مقاومت در برابر تمامی سختی ها و ستم ها در عصر امام رضا(علیه السلام)،

نویدبخش آمدن روزهای خوب و خوش است که دیری نخواهد گذشت که به وقوع می‌پیوندد. در این صورت است که پایداری و مقاومت معنا پیدا می‌کند. دعبل قوم خویش را به صبوری بر این همه سختی فرامی‌خواند زیرا چیزی نمانده که این اوضاع پایان یابد و آینده روشن فرا برسد.

دعبل شاعری آرمانگراست که روزنه امید در وجودش سوسو می‌زند و عمر این ستم را که گریبانگیر امت و امام او شده است، کوناه می‌بیند:

فَيَا نَفْسُ طَيِّبِي تُمِّ يَا نَفْسُ أَبْشِرِي فَعَيْرٌ بَعِيدٌ كُلُّ مَا هُوَ آتٍ
وَلَا تَجْزَعِي مِنْ مِدَّةِ الْجَوْرِ إِنِّي كَأَنِّي بِهَا قَدْ أَذَنْتَ بَيِّنَاتٍ

(همان: ۶۴)

(ترجمه: پس ای دل! شاد باش و ای نفس تو را مژده باد؛ که هر آنچه آمدنی است دور نباشد.) / از طولانی شدن مدت ستم منال! گویی که من می‌بینم زمانه ستم، پایان یافتن دوران خویش را خبر می‌دهد.)

۲-۲-۵ رسواکردن ظالمان به حق اهل بیت (علیهم‌السلام)

زندگی دعبل در دوران خلافت ظالمانه نه تن از خلفای جورپیشه عباسی سپری شد. بنی‌عباس بدترین آزارها و ظلم‌وستم‌ها را علیه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) مرتکب شدند؛ از زندان گرفته تا شکنجه و مسموم کردن و در نهایت به شهادت رساندن. کسانی که به امام رضا (علیه‌السلام) ستم کردند، در اشعار دعبل لعن و نفرین شده‌اند. مصیبت شهادت امام (علیه‌السلام) چنان بر دل شاعر سنگین است که دنیا را پس از او بی‌ارزش دانسته و از ویران شدن و از بین رفتن دنیا ترسی به دل راه نمی‌دهد.

رُزِينَا رَضِيَ اللَّهُ سَبْطَ نَبِينَا فَأَخْلَفَتِ الدُّنْيَا لَهُ وَ تَوَلَّتْ
وَ مَا خَيْرُ دُنْيَا بَعْدَ آلِ مُحَمَّدٍ أَلَا لَا نُبَالِيهَا إِذَا مَا اَضْمَحَلَّتْ

(همان: ۶۷)

(ترجمه: در مصیبت نوۀ پیامبرمان (امام رضا) علیه السلام) که مورد رضایت خداست به سوگ نشستیم. آن بزرگواری که دنیا به او پشت کرده، از ایشان رویگردان شد. دنیا را پس از خاندان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) خیری نیست. آگاه باش که پس از اهل بیت (علیهم السلام) حتی اگر (دنیا) از بین برود، ما را باکی نیست.)

حقوقی که از اهل بیت (علیهم السلام) سلب شده و ناحقی‌هایی که از سوی خلفا و حاکمان در حق امام رضا (علیه السلام) شده است، دعبل را حسرت زده می‌کند. ظلم و ستم در حق امامان (علیهم السلام) تا حدی است که حق خلافت و ولایت از ایشان سلب شده و به ناحق، دست نااهلان افتاده است.

أَرَىٰ فِيهِمْ فِي غَيْرِهِمْ مُتَقَسِّمًا وَ أَيْدِيَهُمْ مِنْ فِيهِمْ صَفِرَاتِ

(همان: ۶۳)

(ترجمه: حقوق و اموال آنان را می‌بینم که در میان دیگران تقسیم شده است و دست خودشان از آن خالی است.)

اگرچه امامان معصوم (علیهم السلام) راهنمایان راه زندگی بودند، اما زمانه خیانت خود را در حق آنان ثابت نمود؛ زمانه‌ای که در برابر امام رضا (علیه السلام) دشمنی پیشه نمود و بی‌وفایی خود را در حق آنان ثابت کرد.

خَانَ الزَّمَانُ بِكُمْ عَلَى رَغَمِ الرَّشَادِ وَمَا وَفَى
وَوَبَّ الزَّمَانُ بِكُمْ فَشَتَّ تَ مِنْكُمْ مَا أُلْفَا

(همان: ۱۳۵-۱۳۶)

(ترجمه: علیرغم هدایتگری شما زمانه در حقتان خیانت کرد و به شما وفا ننمود. زمانه در برابر شما دشمنی پیشه کرد و انس و الفت شما را از هم گسست.)

بنی‌امیه همان گرگ‌هایی بودند که از هیچ‌گونه آزار و اذیتی علیه اهل بیت (علیهم السلام) فروگذار نبودند و با سخت‌گرفتن زندگی و معیشت بر آنان،

موجب شهادت ایشان شدند. دعبل بنی‌امیه را گرگ‌صفت معرفی می‌کند و به افشاگری جنایات آنان می‌پردازد.

دَعْتَهُمْ ذُنَابٌ مِنْ أُمِّيَّةٍ وَانْتَحَتْ
عَلَيْهِمْ دِرَاكًا أَرْمَهُ وَ سِنُونُ

(همان: ۱۶۹)

(ترجمه: گرگ‌هایی از بنی‌امیه آنان را طلبیدند و بحران و تنگی معیشت پی‌درپی باعث به‌شهادت‌رسیدن ایشان شد.)

۲-۶ ستایش امام (علیه‌السلام) برجسته‌ترین جلوه پایداری

ستایش و برتر دانستن امام‌رضا (علیه‌السلام) توسط دعبل، آن هم در عصری که همه به مدح و ثنای حاکمان و خلفای زمان می‌پرداختند، علاوه بر اینکه گواه جسارت بالای دعبل است، نشان از پایداری در مسیر رسیدن به حق و حقیقت دارد. دعبل جای‌جای دیوان خود را مزین به نام اهل بیت (علیهم‌السلام) و به‌ویژه امام‌رضا (علیه‌السلام) می‌کند و نه تنها رفتار حضرت را اسوه و سرآمد رفتارها می‌داند، بلکه خردش را استوار و بخشندگی‌اش را مانند ابری پرباران و در حال ریزش توصیف می‌کند:

تَرَى سَكَنَاتِهِ فَتَقُولُ غَرٌّ
لَهُ سَمْحَاءُ تَغْدُو كُلَّ يَوْمٍ
وَتَحْتَ سُكُونِهِ رَأَى ثَقِيفُ
بِنَائِلِهِ وَ سَارِيَّةٌ تَطُوفُ

(همان: ۸۰)

(ترجمه: هنگامی که رفتارش را مشاهده می‌کنی، می‌گویی بی‌تجربه است در حالی که در پشت آرامش او اندیشه‌ای درست و محکم نهفته است. / دستی بخشنده دارد که هر روز با بخشش و سخاوت او صبح را آغاز و شب را با عطا و دستگیری از مستمندان، به پایان می‌رساند.

دوستی و علاقه دعبل به امامان و به‌ویژه امام‌رضا (علیه‌السلام) تا بدان جاست که

خویشاوند واقعی خود را کسی می‌داند که دوستدار اهل بیت (علیهم‌السلام) است. شاعر خویشاوندان دور با این ویژگی را بر نزدیکان و یاران خویش نیز برتری می‌دهد.

أَحِبُّ قَصِيَّ الرَّحْمِ مِنْ أَجْلِ حُبِّكُمْ وَأَهْجُرُ فَيْكُمْ أُسْرَتِي وَبَنَاتِي

(همان: ۶۳)

(ترجمه: به سبب علاقه به شما، به خویشاوندان دور ابراز محبت و دوستی می‌کنم و به خاطر شما خانواده و دخترانم را ترک می‌کنم.)

نکته مهم از پایداری شاعر در بیت فوق آن است که عزیزان و خویشان خود را ترک گفته و حتی دختران که نیازمند سرپرست هستند نیز او را از مقاومت در راه آرمانش باز نمی‌دارند.

۲-۲-۷ گریه، سلاحی برای مبارزه

با استناد به دعای کمیل، آنجا که حضرت امیر (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «إِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ، إِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ» (بیامرز کسی را که جز دعا چیزی ندارد، ترحم فرما بر کسی که سرمایه‌اش امید و سلاحش گریه و زاری است) گریه سلاحی برای مبارزه آمده است. از این رو، در حیطه ادبیات پایداری قرار می‌گیرد. دعبل شاعر دل سوخته و شوریده اهل بیت (علیهم‌السلام) در پی سفر اجباری امام رضا (علیه‌السلام) از مدینه به مرو، در فراق آن امام هم‌عاشقانه اشک حسرت ریخت. چکامه «مدارس آیات» او گواه همین عشق و شیدایی است.

«او زمانی که به گریه بر اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌پردازد، اشعارش به سوی صدق و حرارت بال می‌گشاید و زمانی که به رثای امام حسین و امام رضا (علیهما‌السلام) روی می‌آورد، نشان حزن و اندوه بیش از پیش بر اشعارش نمایان می‌شود.» (عویضه، ۱۴۱۳ق: ۲۰۴). «وی از جمله شاعرانی است که با فصاحت و بلاغت خود به شعر

«بکاء» پایه‌ای قوی می‌بخشد.» (نعمتی و امیری، ۱۳۹۴: ۱۶۱). او همه هنر خود را وقف توصیف غم و اندوهی می‌کند که شهادت جانخراش امام (علیه‌السلام) مسبب آن است و گریه را بهترین سلاح برای مبارزه می‌داند.

أَلَا مَا لِعَيْنِي بِالْدموعِ اسْتَهَلَّتْ وَ لَوْ نَفَدَتْ مَاءُ الشُّؤُونِ لَقَلَّتْ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۶۷)

(ترجمه: چشمانم را چه شده که اشک‌ها از آن جاری است؟ و اگر آب مجرای اشک تمام می‌شد، در برابر عشق به آن امام، اندک است.)

امام‌رضا (علیه‌السلام) کسی بود که تمام موجودات برای او گریستند؛ حتی آسمان و زمین. دعبل مقام او را بلندمرتبه‌تر از قله‌ها می‌داند:

عَلَى مَنْ بَكَتُهُ الْأَرْضُ وَ اسْتَرْجَعَتْ لَهُ رُؤُوسُ الْجِبَالِ الشَّامَخَاتِ وَ ذَلَّتْ
وَ قَدْ أَعْوَلَتْ تَبْكِي السَّمَاءُ لِفَقْدِهِ وَ أَنْجُمُهَا لِاحْتِ عَلَيْهِ وَ كَلَّتْ

(همان: ۶۷)

(ترجمه: اشک‌هایم را جاری می‌کنم] بر کسی که زمین برایش گریست و کوه‌های سربلند و استوار برای او جمله «إنا لله و إنا اليه راجعون» سر داده و خوار شدند. / آسمان از بهر وی گریست و ستارگان آن در غم فقدان او کم‌سو و در تابیدن گند گشته‌اند.)

سَابَكِيهِمْ مَا ذَرَفِي الْأَفْقِ شَارِقُ وَ نَادَى مُنَادِي الْخَيْرِ بِالصَّلَوَاتِ
وَ مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَ حَانَ غُرُوبُهَا وَ بِاللَّيْلِ أَبْكِيهِمْ وَ بِالْغَدَوَاتِ

(همان: ۶۴)

(ترجمه: تا زمانی که درخشنده‌ای در آسمان می‌درخشد و منادی خیر برای نمازها و دعا ندا می‌دهد، برای ایشان (اهل بیت) گریه و زاری می‌کنم. / هنگام طلوع خورشید و هنگام غروب آن و شبانگاه و بامداد برای ایشان گریه می‌کنم.)

«دعبل به عنوان یک شاعر آگاه سیاسی متعهد، علاقه مند به خاندان پیامبر (علیهم السلام) به ویژه امام زمانش، حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) آرزومند حاکمیت اسلام و معتقد به ولایت و حکومت امامان معصوم (علیهم السلام) بود و نمی توانست در برابر انتقال امام به خراسان و خاموشی شعله های سرکش قیام های کوفه و مدینه، بی اعتنا باشد. او با سفر اجباری امام رضا (علیه السلام) به مرکز خلافت و خالی شدن مدینه از نور وجود حجت خدا، به یاد مظلومیت خاندان عصمت در دو قرن گذشته افتاد و بار دیگر تار و پود جانش در آتش جفاها، ظلمها و حق کشی هایی که بنی امیه و بنی عباس در طول دو بیست سال بر علی (علیه السلام) و خاندان مطهرش (علیهم السلام) روا داشته بودند، سوخت. سوز درونی شاعر در تک تک ابیات این قصیده جاودانه شعله می کشد.» (قلی زاده، ۱۳۷۳: ۵۵). دعبل در رثای امام رضا (علیه السلام) با ابیاتی سوزناک و مملو از حسرت و آه، این گونه نوحه سرایی می کند:

يا حَسْرَةً تَتَرَدَّدُ وَ عِبْرَةً لَيْسَ تَنْفَدُ
عَلِيَّ عَلِيٍّ ابْنِ مُوسَى اب نِ جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۹۸)

(ترجمه: ای حسرتی که مدام در حال رفت و آمد هستی و ای گریه ای که پایان نمی پذیری / بر حضرت علی بن موسی بن جعفر بن محمد (امام رضا).

دعبل به چشمانش فرمان گریه هر چه بیشتر را می دهد تا سوز دلش بدین روش آرام گیرد:

وَ يَا جُفُونِي اسْتَهْلِي وَ يَا فُؤَادِي تَوَقَّدِي
فَيَا عَيْنُ بَكِّهِي وَ جُودِي بَعْبِرِي فَقَدْ أَنْ لِلتَّسْكَابِ وَالْهَمَلَاتِ

(همان: ۹۹)

(ترجمه: پس ای اشک چشمانم جاری شو و ای قلبم بسوز و زبانه بکش / پس ای

چشم! با بغضی وجودم را از بهر ایشان گریان کن که زمان اشک ریزان و گریه فرا رسیده است.)

۲-۲-۸ هجو دشمنان امام رضا(علیه السلام)

در هر دوره‌ای از تاریخ ادبیات عرب، ظالمان و مستبدانی بوده‌اند که علیه سایر اقشار جامعه ستم روا داشته‌اند. در زمان امام رضا(علیه السلام) حکومت بنی‌عباس با مزدوری تمام بر ضد امام و شیعیان و حامیان وی به‌پا خاسته بود. همان حاکمان مستبدی که دعبل در ضمن شناساندن چهره منفور آنان به سایرین، مردم را گاه به پایداری و گاه مبارزه علیه آنان فرامی‌خواند.

از شاخصه‌های مهم در شعر دعبل، هجوگویی اوست. رسالت والای او مذمت و کینه‌توزی علیه دشمنان حق و حقیقت بود. او آمده بود تا با شناساندن مزدوران عباسی در اشعار خویش، پرده از جهالت بدرد و دشمن را به خاک سیاه بنشاند.

قَدْ قُلْتُ إِذْ غَيَّبَهُ وَأَنْصَرَ فَوْا	فِي شَرِّ قَبْرِ لَشْرٍ مَدْفُونٍ
أَذْهَبَ إِلَى النَّارِ وَالْعَذَابِ فَمَا	خَلَّتْكَ إِلَّا مِنَ الشَّيَاطِينِ
مَازَلَتْ حَتَّى عَقَدْتَ بَيْعَةَ مَنْ	أَضَرَ بِالْمُسْلِمِينَ وَالْدِّينِ

(همان: ۳۴۳-۳۴۴)

(ترجمه: پس از آنکه او(معتصم عباسی) را در قبری پلید که برای مرده‌ای پلید تدارک دیده شده بود پنهان کردند، گفتیم: / به آتش جهنم برو و از عذاب برخوردار شو، که در نظر من، تو جز شیطان چیز دیگری نیستی / تا زمانی که زنده بودی پیوسته تلاش کردی تا بیعت کسی را که به مسلمانان و دین زیان و خسارت وارد کرد، منعقد نمایی.)

قسمت اعظم دیوان دعبل را هجو دشمنان اهل بیت(علیهم السلام) در بر می‌گیرد.

پس از آنکه مأمون، حضرت رضا(علیه السلام) را به ولایتعهدی برگزید و لباس سیاه را که شعار عباسیان بود، به لباس سبز که شعار علویان بود، تبدیل کرد و به آنها روی خوش نشان داد، دعبل موقتاً از هجو عباسی ها دست کشید ولی زمانی که مأمون، بار دیگر و پس از شهادت امام رضا(علیه السلام) لباس سیاه را به جای لباس سبز برگزید و دوباره دشمنی و آزار و اذیت علویان را از سر گرفت، دعبل نیز شروع به هجو آنان کرد و رجال دولت عباسی و به ویژه معتصم و متوکل را به شدت هجو نمود. وی با زبان تند و گزنده خود، با سلاح هجو و مذمت، چهره ظالم عباسیان و به خصوص هارون الرشید را به همگان معرفی کرد:

وَسَمَّوْا رَشِيدًا لَيْسَ فِيهِمْ لِرُشْدِهِ
وَهَا ذَاكَ مَأْمُونٌ وَذَاكَ أَمِينٌ
فَمَا قُبِلَتْ بِالرُّشْدِ مِنْهُمْ رِعَايَةٌ
وَلَا لَوْلِيٍّ بِالْأَمَانَةِ دِينٌ

(همان: ۱۶۹)

(ترجمه: کسی را رشید نامیدند که از شعور و هدایت برخوردار نبود؛ آن هم مأمون و آن دیگری امین/هیچ حمایتی درخصوص هدایت از آنان پذیرفته نشد و هیچ یک از حاکمان آنان در امانتداری دین نداشت.)

۳. نتیجه گیری

از آنچه در این پژوهش به آن پرداخته شد، نتایج زیر حاصل گردید:

- دعبل خزاعی اولین کسی است که در ادبیات عرب، درباره مقام شامخ امام علی بن موسی الرضا(علیهما السلام) شعر سروده است. شعر او همچون تیر سرکش قهاری است که با کمترین خطا و بیشترین نتایج، رسواکننده و افشاگر جنایاتها و اصحاب ظلم و ستم بنی عباس و دستگاههای جاری زمان خود بوده است. این شاعر متعهد، با وجود تمام خطرهای و محرومیتها، لحظه ای در اثبات حقایق اهل بیت(علیهم السلام) تردید نکرده است.

- یاد دیاری که امام‌رضا(علیه‌السلام) را در بر می‌گیرد و گریستن بر خانه‌های خالی از سکنهٔ اهل بیت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، دعوت به مبارزه، امید به آینده و نوید پیروزی، رسواکردن حاکمان ستمگر، به‌تصویر کشیدن مظلومیت امام‌رضا(علیه‌السلام) و هجو دشمنان آن حضرت، از برجسته‌ترین مضامین ادبیات پایداری است که دعبل در شعر خویش به تصویر کشیده است.

- سروده‌های دعبل در دفاع از حق اهل بیت(علیهم‌السلام) و پایداری او در این مسیر سخت و پرحادثه، سبب شد تا شاعر سالیان طولانی از عمر خویش را در آوارگی به‌سر ببرد و سرانجام جان خویش را در همین راه تقدیم کند.

منابع و مآخذ

- احمدی چناری، علی اکبر؛ احمدی، پریسا. (۱۳۹۴). «سیمای امام رضا (علیه السلام) در آینه شعر دعبل خزاعی و نظیری نیشابوری». کاوش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی). س ۵، ش ۲۰: ۱-۱۷.
- اقبالی، مسعود. (۱۳۹۳). «دیدگاه های ناقدان عرب درباره شخصیت و شعر شاعران برجسته شیعه» (کتبیر عزه، کمیت بن زید اسدی، سید حمیری و دعبل خزاعی). یحیی معروف. پایان نامه تحصیلی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه رازی کرمانشاه.
- الفاخوری، حنا. (۱۳۸۰). تاریخ الادب العربی. چاپ دوم. تهران: انتشارات توس.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۵). دادگستر جهان. چاپ سوم. قم: نشر شفق.
- رضایی سهل آبادی، غلامرضا. (۱۳۹۴). «اهل بیت در شعر دعبل خزاعی». عباس طالبزاده شوشتری. پایان نامه تحصیلی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- خزاعی، دعبل. (۱۹۹۷م). دیوان اشعار. مترجم: ضیاء حسین الأعلمی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- عویضه، کامل محمد. (۱۴۱۳ق). الصورة الفنية فی شعر دعبل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طالعی، عبدالحسین. (۱۳۹۲). «راهنمای پژوهش درباره دعبل خزاعی». فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه. س ۱۱، ش ۴۱: ۱۹۰-۱۷۰.
- قلی زاده، مصطفی (۱۳۷۳). دعبل خزاعی، شاعر دار به دوش. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مختاری، قاسم؛ وفایی خوش، قدرت الله (۱۳۹۴). «جلوه های پایداری در شعر عبدالرحمن العشماوی؛ نمونه مورد پژوهش: قصیده فتی فلسطینی یتحدت». نشریه ادبیات پایداری کرمان. س ۷، ش ۱۲.
- مسبوق، سیدمهدی و دریادل موحد، اعظم. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی دو قصیده تأییه دعبل خزاعی و طلائع بن رزیک در مدح اهل بیت (علیهم السلام)». مجله ادب عربی. س ۴، ش ۴: ۲۴۶-۲۲۳.
- نعمتی، فاروق؛ امیری، جهانگیر. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی منقبت رضوی در شعر عربی و فارسی؛ مطالعه موردی: شعر دعبل خزاعی و بابافغانی شیرازی». همایش بین المللی علمی - پژوهشی امام رضا (علیه السلام) در ادبیات تطبیقی فارسی و عربی. انتشارات یاردانش: ۱۷۰-۱۵۰.

